

بزرگترین بانک سرمایه‌گذاری جهان (گلدمن ساکس) پیش‌بینی کرد قیمت نفت برنت تا آذرماه ۱۴۰۲ به ۱۰۰ دلار در هر بشکه افزایش می‌یابد. این بانک معتقد است در سال ۲۰۲۳ میلادی میزان عرضه نفت توسط آمریکا و روسیه به اندازه افزایش تقاضا از سوی چین، افزایش نمی‌یابد. ماه گذشته (دی ماه) تحلیلگران بانک سوئیسی *UBS* نیز پیش‌بینی کرده بودند که قیمت نفت برنت تا اواسط سال ۲۰۲۳ میلادی از ۱۱۰ دلار در هر بشکه فراتر خواهد رفت. در این بین، برخی پیش‌بینی‌ها نیز حاکی از کاهش قیمت نفت در سال جاری هستند. بطور مثال کارشناسان سیتی گروپ (شرکت خدمات مالی و بانک سرمایه‌گذاری چندملیتی) اعلام کردند تا پایان سال ۲۰۲۳ میلادی قیمت نفت ۱۰ دلار نسبت به سطح فعلی کاهش می‌یابد.

الکساندر نوآک معاون نخست‌وزیر روسیه روز جمعه پس از اعلام محدودیت سقف قیمت برای خرید فرآورده‌های نفتی روسیه، گفت: از اواسط اسفند ماه ۱۴۰۱، روسیه تولید نفت خود را به میزان ۵۰۰ هزار بشکه در روز یا ۵٪ از تولید کاهش خواهد داد.

نقش نظام سلطه در ایجاد بحران جهانی مس

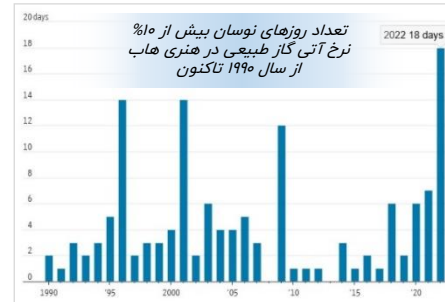
وبسایت تحلیل *TFIGlobal* در یادداشتی به نقش دولت فعلی آمریکا در ایجاد بحران مس در دنیا پرداخته است. در این یادداشت تأکید شده که آمریکا برای حفظ سلطه خود، به ایجاد بحران‌های پیاپی در نقاط مختلف جهان روی آورده است؛ به عنوان مثال در پرو با حزب مخالف رئیس‌جمهور متحد شده و وی را با کودتا برکنار و زندانی کرد. دولت جدید در این کشور یک ماه وضعیت اضطراری اعلام کرد و با تصمیم پارلمان پرو مبنی بر عدم برگزاری انتخابات زودهنگام در سال ۲۰۲۳، وضعیت این کشور بدتر هم شده است. قبلاً دولت جدید وعده داده بود برای جلب رضایت معترضان، انتخابات زودهنگام برگزار کند. پرو دومین صادرکننده بزرگ مس در جهان پس از شیلی است. پدرو کاستیلو رئیس‌جمهور برکنار شده پرو وعده داده بود که درآمد شرکت‌های معدنی خارجی و سایر مشاغل خارجی فعال در پرو را با فقرای این کشور تقسیم کند (که موجب جلب توجه آمریکا شد). معدن مس لاس‌بامباس پرو که متعلق به چین است، تولید خود را از حدود ۱۰ روز پیش بدلیل کمبود مایحتاج در اثر محاصره، متوقف کرده است. اگر عملیات تولید در این معدن که ۲٪ مس جهان را تأمین می‌کند برای مدت طولانی متوقف بماند، می‌تواند موجب ایجاد اختلال در بازار جهانی مس و به تبع آن افزایش قیمت آن شود. احتمال سرایت این اختلال به سایر معادن نیز وجود دارد و باید توجه داشت که پرو ۱۷٪ مس جهان را تولید می‌کند. علاوه بر مس، پرو صادرکننده طلا و نقره نیز می‌باشد و عملاً کودتای آمریکایی می‌تواند در بازار جهانی مس بحرانی ایجاد کند که ممکن است تشدید شود و تأثیرات پایداری بر اقتصاد جهانی بر جای گذارد.



پیش بینی ♣ احتمالاً در سال ۲۰۲۳ میلادی قیمت مس افزایشی باشد و حتی بالاتر از سقف تاریخی خود قرار گیرد. در واقع انتظار داریم قیمت در کانال صعودی فعلی خود رشد کند.

ضربه‌گیرهای نوسان شدید قیمت گاز طبیعی در حال نازک شدن هستند

سال گذشته، قیمت گاز طبیعی نوسان شدیدی را تجربه کرد؛ هر چند قیمت در حال حاضر کاهشی است اما وال استریت ژورنال از زوایه دیگری به این موضوع نگاه می‌کند. نمودار زیر تعداد روزهایی که قیمت آتی هنری هاب بیش از ۱۰٪ نوسان کرده است را نشان می‌دهد؛ که مقدار آن در سال گذشته عدد بی‌سابقه ۱۸ روز را از سال ۱۹۹۰ میلادی تاکنون نشان می‌دهد. در یک یادداشت تحلیلی، الی روبین کارشناس و استراتژیست ارشد حوزه انرژی شرکت *EBW AnalyticsGroup* می‌گوید: نوسانات حتی ممکن است در سال آینده بیشتر هم بشود؛ زیرا کارایی ضربه‌گیرهایی که جلوی نوسان را می‌گرفتند، کم شده است؛ وقتی تا ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱ (۱۱ سال) مصرف گاز طبیعی در آمریکا حدود ۲۵٪ افزایش یافته و صادرات هم بیشتر از ۳ برابر شده است؛ ظرفیت



ذخیره‌سازی گاز طبیعی که بتواند عرضه کافی را در زمستان تضمین کند، بدون تغییر باقی مانده است؛ تجربه هم نشان داده هرگاه ذخیره‌سازی به کمتر از میانگین ۵ ساله کاهش می‌یابد، قیمت گاز طبیعی بسیار غیرعادی جهش می‌کند. علاوه‌براین، توانایی برای تغییر به تولید برق از طریق زغال‌سنگ (در صورت کمبود گاز) در حال کمتر شدن است، ضمن اینکه ذخایر زغال‌سنگ هم در حال کاهش است. در نتیجه، انتظار می‌رود که رشد عرضه گاز طبیعی در آمریکا تا حدی محدود شود. همچنین تولیدکنندگان نفت و گاز، هم بدلیل محدودیت سرمایه (منابع مالی) و هم بدلیل فقدان خط لوله جدید، دچار وقفه شدند. از آنجایی که قرار است آمریکا ظرفیت صادرات *LNG* خود را تا ۲۰۲۵ میلادی ۴۰٪ افزایش دهد و عملاً انرژیدری خود را به تحرکات تقاضای جهانی گاز بیشتر کند، ارتباط بین قیمت گاز و ضعف بود خط لوله جدید قوی‌تر هم خواهد شد. آنچه می‌تواند براحتی نوسانات را بدتر هم کند، رویدادهای بسیار بد آب و هوایی است؛ که می‌تواند روی تقاضا و همچنین روی عرضه گاز طبیعی اثرگذار باشد. ضمن اینکه روزهای سردتر از حد انتظار زمستان در سال‌های اخیر، کاهش‌های جدی در تولید و عرضه ماهانه گاز طبیعی آمریکا ایجاد کرده است.

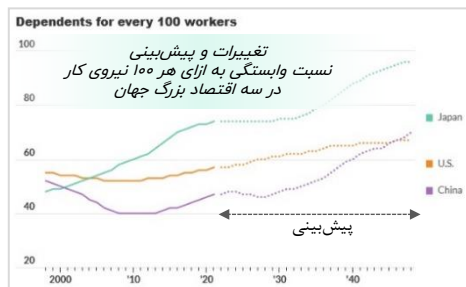
دارندگان رمزارز انتظار جبران ضرر توسط مالیات‌دهندگان را نداشته باشند

سرمایه‌گذاران رمزارز پس از پشت سر گذاشتن حدود ۱۸ ماه سقوط ارزش دارایی خود، این روزها بازار مثبتی را تجربه می‌کنند. هفته گذشته یک مقام ارشد فدرال رزرو گفت: سرمایه‌گذاران رمزارز باید همچین روزهایی را می‌دیدند و حتی انتظار صفر شدن ارزش دارایی‌هایشان را هم داشتند. وی گفته که آنها نباید از مالیات‌دهندگان انتظار داشته باشند که ضررهایشان را جبران کنند (پاسخ رد هرگونه حمایت دولتی از ریزش کریپتو). در این زمینه، روایت مدیرعامل *ARK-Invest* جالب‌تر و حاوی نکات مهمتری است؛ وی گفته است که اتفاقاً رمزارز می‌تواند برای کشورهایی که با تورم و بحران اقتصادی و بی‌ثباتی مواجهند، محل امن و مناسبی برای سرمایه‌گذاری باشد.

نکته مورد توجه این است که بویژه با رواج استیبل‌کوین‌ها که اخیراً در منطق اقتصادی کشورهای توسعه یافته توجیه و حمایت شده، چرا در اقتصادهای بحران‌زده و کمتر توسعه یافته به اندازه کافی به تبعات و پیامدهای منفی این اکوسیستم‌های نوظهور توجه نمی‌شود؛ شاید قرار است روزی این اکوسیستم جهانی یک راحل آسان برای انتقال تورم داخلی برخی کشورهای اصطلاحاً مترقی به سایر کشورهای اصطلاحاً بحران‌زده ایجاد کند!

چرا سه اقتصاد بزرگ جهان ممکن است با مشکل جدی مواجه شوند؟

"نسبت وابستگی جمعیت" معیار مهمی برای بررسی آینده سرمایه‌گذاری و بازارهای جهانی است که بررسی تغییرات آن در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۴۸ میلادی نشان می‌دهد این کمیت برای ۳ اقتصاد بزرگ جهان روند مطلوبی ندارد. این نسبت از تقسیم نمودن جمعیت سالمندان و کودکان بر جمعیت در سن کار بدست می‌آید (تقسیم «مجموع جمعیت افراد کمتر از ۱۵ سال و افراد ۶۵ ساله و بیشتر» بر «جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال»)



سه کشور با بیشترین تولید ناخالص داخلی جایش جمعیت سالخورده و نرخ پایین زادوولد مواجهند؛ به این معنی که افراد کمتری به جمعیت نیروی‌کار اضافه خواهند شد و تعداد بیشتری هم بدلیل بازنشستگی، جمعیت نیروی‌کار را ترک خواهند کرد. در ۱۹۹۸

میلادی نسبت وابستگی آمریکا ۵۵ نفر به ازای هر ۱۰۰ نیروی‌کار بود که در سال ۲۰۱۱ میلادی به ۵۲ نفر به ازای هر ۱۰۰ نیروی‌کار کاهش یافت. اما پس از آن شروع به افزایش کرد که پیش‌بینی می‌شود تا دهه آینده افزایش آن ادامه خواهد یافت. پیش‌بینی می‌شود این نسبت در سال ۲۰۴۸ به ازای هر ۱۰۰ نیروی‌کار به ۶۷ نفر تحت تکفل (وابسته) برسد. یک تغییر مشابه منتهی شدیدیتر در چین هم اتفاق افتاده است. از ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۱ این نسبت برای چین از ۵۲ به ۴۰ نفر در ازای هر ۱۰۰ نیروی کار کاهش یافت. اما نرخ پایین زادوولد ناشی از سیاست تک فرزندی که در ۲۰۱۵ به پایان رسید، موجب شده اکنون چین افراد کمتری برای جایگزینی با بازنشستگان داشته باشد. پیش‌بینی می‌شود در ۲۰۴۸ میلادی نسبت مذکور برای چین به ۷۰ نفر به ازای هر ۱۰۰ نیروی‌کار برسد. جالب جمعیتی در ژاپن کاملاً عمیق‌تر از آمریکا و چین است. نسبت وابستگی در این کشور روند افزایشی خود را از ۴۶ نفر در ۱۹۹۳ میلادی شروع کرد و در ۲۰۲۳ میلادی به ۷۳ نفر به ازای هر ۱۰۰ نیروی‌کار رسیده است. شاخص نسبت وابستگی یکی از معیارهایی که می‌تواند در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران اثرگذار باشد. برای دولت‌ها نیز این نسبت روی بودجه سالانه و ترکیب آن اثرگذار است بویژه در زمینه مخارج و هزینه‌های تأمین اجتماعی که باید در بودجه لحاظ شود. اقتصاددانان اندیشکده بروکینگز معتقد است که نسبت وابستگی آمریکا بدلیل بازنشستگی نسل فرزندآور (نسل پرنوزاد یا بومر) بشدت افزایش خواهد یافت و چون مردم بیشتر عمر می‌کنند، سطح رفاهشان کمتر می‌شود؛ وی تغییر سن بازنشستگی از ۶۵ به ۷۰ سال را با همین استدلال یک مسئله کلیدی می‌داند. وی تأکید می‌کند در این تصمیم باید به حقایق توجه شود؛ افراد ثروتمند طول عمر بیشتری دارند در حالیکه برای افراد با سطح درآمدی پایین لزوماً اینگونه نیست. عبارتی افراد با درآمد بالا، افزایش امید به زندگی بمراتب بیشتری داشته‌اند ولی افراد کم درآمد خیر. برخی اقتصاددانان موارد دیگری نظیر تغییر در سیاست‌های مهاجرتی را هم به عنوان جایگزینی برای حل مشکل پیشنهاد می‌کنند.

قیمت گاز طبیعی ۴ هاب ■ میانگین ماهانه بر حسب CENT/m^3					
سال ۱۴۰۱	آمریکا	کانادا	انگلستان	هلند	میانگین
دی	۱۵	۱۵	۸۱	۷۵	۴۷
بهمن ماه ۱۴۰۱/۱۱/۱۴ تا	۱۰/۷	۱۳	۶۶/۴	۶۳/۵	۳۸/۴
بهمن ماه ۱۴۰۱/۱۱/۲۱ تا	۱۰/۲	۱۲/۱	۶۱/۷	۶۴/۹	۳۷/۲